

همایش جمهوری خواهی در نیویورک و دولت روحانی

رسول آذرنوش

✘ همایش وحدت دو سازمان یعنی اتحاد برای پیشبرد سکولار دموکراسی در ایران و سازمان جمهوری خواهان ایران بزودی در نیویورک برگزار می گردد. این دو سازمان جمهوری خواه قرار است بر پایه یک منشور و چهار قطعنامه که در رسانه های مجازی انتشار یافته اند به وحدت برسند در این اسناد تشکل آتی، سازمانی تعریف شده است:

جمهوری خواه ، طرفدار آزادی ، حقوق بشر و جدائی دین و دولت که در راه گذار از جمهوری اسلامی به یک جمهوری دموکراتیک فعالیت خواهد کرد.

اما سؤال این است تشکل نو بنیاد به عنوان یک نیروی اپوزسیون از چه موضعی در قبال حسن روحانی و کابینه اش که اکنون بیش از یکسال از عمر اش می گذرد، برخوردار است ؟

هیچ سند ، قطعنامه و یا بیانیه ای که بطور مستقل به این موضوع مهم پرداخته باشد وجود ندارد اما در بخشی از قطعنامه شماره یک ارائه شده به این همایش می خوانیم:

به باور ما، هر کوششی برای اصلاحات سیاسی در ایران، یا بهبود زندگی مردم، یا کاهش تنش با کشورهای دیگر، گامی به پیش است و ما نمی توانیم از چنین اصلاحاتی شادمان نباشیم. اما نظام ولایت فقیه پذیرای نهادینه کردن چنین اصلاحاتی نیست و از مون دولت خاتمی و دولت روحانی نیز اشکار ساخته است که نیروی حقیقی و حقوقی ولی فقیه ، پشتیبانان نظام ولایت، وعده های انتخاباتی اصلاح طلبانه را ناکام می سازند و هرگونه کوشش برای اصلاح پایدار نظام را به بن بست می کشند.

طبق این گفتمان ما در جمهوری اسلامی با دو جناح مواجه هستیم یکی خوب و دیگری بد ، یکی ، اصلاحات سیاسی برای بهبود زندگی مردم انجام داده و برای کاهش تنش با کشورهای دیگر می کوشد که ما را شادمان میکند و دیگری، پشتیبانان نظام ولایت اند که وعده های انتخاباتی اصلاح طلبانه را ناکام می سازند و هر گونه کوشش برای

اصلاح پایدار نظام را به بن بست می کشند.

نتیجه اخلاقی و منطقی؟ پشتیبانی جمهوری خواهان از دولت روحانی و خاتمی. اما چنین گفتمانی با واقعیات جمهوری اسلامی در تناقض فاحشی قرار دارد.

یکم اینکه هر دو جناح رژیم پشتیبانان نظام ولایت اند. هم خاتمی و هم روحانی بارها بر این اصل مشترک بین جناح های هیات حاکمه تاکید کرده اند و انکار آن خلاف واقعیت است.

دوم اینکه اندک اصلاحات سطحی دولت خاتمی نه فقط به دلیل مخالفت ولی فقیه بلکه همچنین به خاطر پشتیبانی خاتمی از نظام ولایت و هراس و رویگردانی او از جنبش مدنی مردم و همچنین ترس و زبونی اش در برابر تشرهای رهبری بود که به شکست کشیده شد کوشش خاتمی در اجرای اصلاحات مورد نظراش جهت تحکیم این نظام ستمگر و قرون وسطائی، و نه الغای آن بوده است خاتمی برای اصلاحات اش در بهترین حالت در پی تغییر رفتار دیکتاتور بود که نمی توانست سرنوشتی جز شکست داشته باشد. او خود اذعان کرده است که طی هشت سال ریاست جمهوری اش تدارک چی ولی فقیه بوده است.

سوم اینکه، در باره روحانی، دوستان خوب است توضیح دهند که از کدام اصلاحات سیاسی انجام شده در کابینه امنیتی او، به نفع مردم سخن می گویند؟ کاهش شکنجه و اعدام؟ کاهش احکام قطع دست و پا در دستگاه عدالت پورمحمدی بعنوان وزیر داد گستری؟ بهبود شرایط زندانیان سیاسی؟ فضای باز سیاسی؟ کاهش فشار بر زنان و یا حتی آزادی تما شای مسابقات ورزشی برای بانوان؟

دوستان ما، گزارش اخیر احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل در باره نقض مستمر و سیستماتیک حقوق بشر در دوران زمامداری دولت روحانی را ندیده اند که از اصلاحات سیاسی دولت روحانی اینچنین صحبت می کنند؟ در ارتباط با کاهش تنش با کشورهای دیگر هم که ظاهرا اشاره تدوین کنندگان قطعنامه به مذاکرات هسته ای است، امروزه دیگر بر کسی پوشیده نیست که این مذاکرات مدتها پیش از انتخاب روحانی و بطور پنهانی میان ایران و امریکا جریان داشته و انرا نمی توان به حساب اصلاحات دولت حسن روحانی گذاشت هم اکنون نیز روحانی کاری جز اجرای فرامین رهبری در مذاکرات اش با کشورهای ۵+۱ انجام نمی دهد.

تعجب آور است که یکسال بعد از روی کار آمدن دولت روحانی در

شرایطی که دروغ ها و امار های ساختگی اش به جایی رسیده که حتی صدای اعتراض شماری از اصلاح طلبان حکومتی را هم بلند کرده است.

یک نیروی طرفدار تغییر قانون اساسی و گذار از جمهوری اسلامی در همایش وحدت اش از این دولت که در ماهیت شریک دزد و رفیق قافله است، حمایت می کند.

دربسیاری از کشورها دیده شده و دیده می شود که یک نیروی سیاسی در عین حمایت و پشتیبانی از قانون اساسی و نظام حاکم در موضع اپوزسیون دولت یا قوه مجریه قرار دارد. اما عکس ان صادق نیست هرگز در هیچ نقطه جهان نمیتوان نیروی سیاسی را سراغ داشت که در عین مخالفت با قانون اساسی و نظام حاکم، در موضع پشتیبانی از دولت موجود در همان نظام ایستاده باشد. دولت جزئی از نظام و یکی از ارکان اصلی آن محسوب می شود و در مورد مشخص ایران روحانی با دولت امید و تدبیر اش جزئی از نظام فاسد و ارتجاعی جمهوری اسلامی است نمیتوان از نفی کلیت این نظام سخن گفت و در عین حال از قوه مجریه اش پشتیبانی نمود این اولاً و در ثانی اپوزسیون بنا به تعریف بیش و پیش از هر چیز بمعنی مخالفت با سیاست های قوه مجریه و ارائه سیاست های آلترناتیو است، خواه در کشور های دموکراتیک و خواه در کشورهای استبداد زده ای مانند ایران، از اینرو یک تشکل سیاسی نمی تواند خویشان را در صف اپوزسیون تعریف کرده و در عین حال از دولت و کابینه روحانی پشتیبانی کند اینها تناقضاتی هستند که در برابر همایش وحدت جمهوری خواهان در نیویورک قرار گرفته اند که شرکت کنندگان در آن باید راهی برای خروج از آنها پیدا کنند.